

معرفی نسخه‌های دست‌نوشته طب گیاهی و سنتی (شماره دوم)

ابوالفضل عرب‌زاده

در مقاله شماره قبل و فهرست دو نسخه خطی طب گیاهی با عنوان‌های بیان الطب از حبیب ابن ابراهیم تفریسی، و کفایة الطالبین از ابوطالب شریف حسینی، طبیب و تولیت آستان قدس رضوی تا حدّ مجال و امکان معرفی شد و یادآوری گردید که علم طب مانند علم نجوم از نخستین فنون و علمی است که در بین مسلمانان رواج یافت و آثار بنیادینی توسط پزشکان مسلمان همچون کتاب الحاوی از محمد بن زکریا رازی و القانون فی الطب از شیخ الرئیس ابوعلی سینا و آثار دیگر طبیبان مشهور که مورد استفاده و استناد پزشکان است، بر جای مانده است.

ضیاء الدین مالمی و ابومحمد عبدالله ابن احمد نیز در این زمینه به تألیف کتاب پرداختند. ابن بیطار^۱ نیز

۱. در شماره‌ی قبل اشاره‌ای به ترجمه محمد بن زکریا رازی و شیخ الرئیس ابوعلی سینا و منابع و مأخذ زندگی‌نامه آنان شده است. ابن بیطار ابومحمد ضیاء الدین احمد بن عبدالله مالمی (... - ۶۴۶) که به عنوان بزرگ‌ترین داروشناس و گیاه‌شناس اسلامی معروف است، در اواخر قرن ششم هجری چشم به جهان گشود و در سال ۶۴۶ ق چشم از جهان فرو بست. تاریخ ولادت او به طور دقیق، معلوم نیست. ابن بیطار در اشبیلیه که در آن زمان مرکز علم و ادب بود دانش آموخت و از محضر گیاه‌شناس مشهور ابوالعباس احمد بن محمد بن مفرج، معروف به نباتی یا (ابن رومیه) و عبدالله بن صالح و یوسف بن موراطیر تلمذ نمود و به بررسی و گردآوری گیاهان داروئی پرداخت و با آثار پزشکان و داروشناسان یونانی به ویژه جالینوس و پزشکانی مانند زهراوی، غافقی، شریف ادریسی، و ابن جزار و ... آشنا گردید و در حدود سال ۶۱۷ ق به قصد تحقیق و گیاه‌شناختی آثار پیشینیان، راهی مراکش، الجزایر و تونس شد و به یونان نیز سفر کرد. در این مسافرت‌ها با بسیاری از اهل فن ملاقات کرد و از آنان اطلاعات بسیاری در مورد گیاهان محلی بدست آورد و آثاری از خود به یادگار گذاشت. عمده‌ترین آثار ابن بیطار کتاب الجامع فی الادویة المفردة یا الجامع لمفردات الادویة و الاغذیه یا الجامع فی الطب است که در روزگار اقامت در قاهره تألیف

کتاب الجامع المفردات الادویة و الاغذیة را تألیف کرد و آن دائرة المعارفی در داروشناسی منافع و مضار و مقدار استعمال داروها و بدل آنها را بیان کرده است در حقیقت راهنمایی الفبایی جامع است که با بیش از ۱۴۰۰ عنوان داروی گیاهی به طور دقیق توصیف کرده است (در فرصت مناسب معرفی خواهد شد). هر یک از این کتاب‌ها، داروها و نباتات را بر اساس دقت‌های علمی و تجربی معرفی نموده و بزرگ‌ترین دانشنامه‌های در جهان اسلام است که به صورت گسترده در جهان مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و اساس بسیاری از کتب بعدی در رشته‌های طب، داروشناسی و حتی جراحی واقع شده است.^۱ به یقین اگر این اندیشمندان و امثال آن‌ها نبودند و با استقامت و پایداری مشعل فروزان علوم و فنون را به دست نمی‌گرفتند، معلوم نبود سرنوشت تمدن و فرهنگ بشریت به کجا می‌انجامید. هر چه بشر به دست‌آوردهای آزمایشگاهی بیشتری در طب دست می‌یابد، درمان طب گیاهی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. هر چند طب گیاهی جای خود را به طور کامل به طب شیمیائی نداده، با شواهد موجود در سال‌های اخیر، بیشتر مردم به نقش داروهای گیاهی پی برده و پذیرفته‌اند که داروهای گیاهی (کارخانه‌ای استاندارد) نیز حتی بهتر از مواد شیمیایی است. امروزه در اثر استقبال مردم از طب گیاهی، فروشگاه‌های بزرگ گیاهی داروئی شبیه سوپر مارکت‌ها دایر گشته و اجناس خود را در شیشه‌ها و بسته‌بندی‌های زیبا ارائه داده و تابلوهایی که اشاره به خواص آنها دارد، جهت آگاهی بیشتر در منظر دید مردم قرار می‌دهند. علاوه بر این‌ها، در کتابخانه‌ها استقبال مردم از خواندن کتاب‌های گیاهی روز به روز افزایش می‌یابد و ناشرین کتاب، صدها کتاب در موضوع طب گیاهی و سنتی منتشر کرده‌اند.^۲ که همگی دال بر ترویج و خواص دارویی گیاهان و ثمره آنهاست. ما نیز از باب اینکه مسئله تندرستی و بیماری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و علم پزشکی

کرد و به ملک صالح سلطان مصر و دمشق اهداء نمود. الجامع بزرگ‌ترین دائرة المعارف داروشناسی بازمانده از قرون وسطی است که به ترتیب الفبائی حدود ۱۴۰۰ داروی خوراکی مفرد گیاهی و کانی و جانوری را با استناد به بیش از ۱۵۰ مأخذ تألیف شده است. وی با استفاده از تجارب و مشاهدات شخصی خود حدود ۴۰ مورد وصف کرده است. از ۱۴۰۰ داروی مذکور تقریباً هزار دارو را مؤلفان پیشین شناخته بودند ولی ۱۴۰۰ ماده دیگر را که تقریباً ۲۰۰ مورد آن‌ها گیاهی است دانشمندان مسلمان در دوره اسلامی شناخته‌اند. رک: علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، ص ۴۶۵ و دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۱۴۵؛ مقدمه بر تاریخ علم ترجمه غلامرضا صدیقی افشار، صص ۱۷۰ - ۱۷۱.

۱. الجامع در چهار مجلد به سال‌های ۱۸۷۴ و ۱۸۷۵ در قاهره به چاپ رسیده است. لوسین لوکلرک این اثر به طور کامل به زبان فرانسه ترجمه و با عنوان رساله مفرده از ابن بیطار با تعلیمات و برگزیده‌هایی از آن را در سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۳ به طبع رسانیده است. برگردان آلمانی این اثر توسط یو.ف. سونتایمر به سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۲ در استونگارت به چاپ رسیده است که البته چاپ ارزشمندی نیست. از اثر دیگر ابن بیطار موسوم به المعنی چاپ و ترجمه‌ای موجود نیست.

۲. دانشنامه در علم پزشکی، درمان با گیاهان داروئی، اسرار هزار گیاه اسرارآمیز، راهنمای نجات از مرگ مصنوعی، زبان خوراکی‌ها، اعجاز خوراکی‌ها، سبزی‌ها و میوه‌های شفابخش، فوائد گیاه خواری، فرهنگ دارویی گیاه درمانی، اسلام پزشکی بی‌دارو، خواص میوه‌ها و خوراکی‌ها، پزشک خانواده، بدون طبیب زندگی کنیم، خوراک درمانی و... و صدها کتاب، جزوه و مقالات دیگر.

محور همه علوم است. (العلم علما علم الادیان و علم الابدان) و کار پزشکان آموختن و درمان کردن و سلامتی انسان‌ها و دیگر مخلوقات نتیجه آن است و بر حسب وظیفه‌ای که به عهده داریم به معرفی نسخ خطی طب گیاهی می‌پردازیم. با این امید که معرفی این کتاب‌ها موجب شود با مطالعه و تحقیق بیشتر، اجرای طب سنتی و گیاهی با روش منظم و صحیح در افکار و اعمال پزشکان جوان ما که طالب دانش واقعی طب گیاهی هستند، رسوخ نماید و با حفظ اندیشه‌ای کاملاً آزاد، روش معالجه طب گیاهی توأم با معالجه طب جدید برای معالجه بیماران و مورد استفاده قرار دهند. اینک به ادامه مطلب شماره قبل در اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم که تمدن و فرهنگ اسلامی درخشندگی و رونقی بسزا داشت، در میان پزشکان دنیای اسلام طبیب و حکیمی به نام محمد بن ابی نصر خجندی می‌زیسته که به فخرالدین طبیب مشهور و استاد اطبای زمان خود بوده است.

او دارای تألیفات و تصنیفات است که از آن جمله کتاب التلویح الی اسرار التفتیح و کتاب مختصر فی الصناعة الطب است که در حدّ توان و مجال به معرفی آنها می‌پردازیم. این دو نسخه دست‌نوشته به وسیله یک کاتب و در یک جلد کتابت و صحافی شده است.

کد : ۲/۱۱۶

عنوان نسخه: التلویح الی اسرار التفتیح

مؤلف: خجندی، محمد (۵۵۲ - ۰۰۰)

شماره فهرست‌نگاری: ۲۹۶

تاریخ اهداء به کتابخانه: قبل از افتتاح

موضوع: طب

زبان: عربی

تعداد صفحه: ۲۰۰ صفحه

تعداد سطر: ۲۱ سطر

اندازه سطر: ۵ سانتی‌متر

اندازه کتاب: ۲۲*۱۰ سانتی‌متر

نوع خط: نستعلیق خوش و صاف و پخته

نوع کاغذ: سمرقندی، صیقلی و برآق.

حاشیه: در بعضی صفحات آثار تصحیح دارد. سرفصل‌ها را با مرکب قرمز مشخص نموده است.

نوع جلد: مقوا با روکش تیماج عنابی و جدول زنجیره‌ای طلائی، اندرون جلد به رنگ عناب ساده.

تاریخ تألیف: نیمه اول قرن ششم

تاریخ کتابت: بیستم جمادی‌الثانی سال ۹۰۹ ق.

نام کاتب: محب بن عاصم منتطب

آغاز کتاب: بعد از بسمله. قال الشیخ الامام الفاضل اکمل المتاخیرین و رئیس الحکما و المتکلمین محمد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بن محمد بن ابی نصر الخجندی قدس الله روحه اما بعد حمدالله واهب العقل و مفيض الخير و العدل و الصلوة على خير خلقه محمد المؤيد بالمعجزات الظاهرة، و البراهين الباهره و على آله الطيبين و اصحابه الطاهرين فاني لما فرغت من تعليق لطايف القانون الخ...

انجام: ... و اما اوصال الجسد فهى الرأس و العتق و الكتفان و العضدان و الكفال و الساعدان و الظهر مع الصدر و العجزان و الفخدان و الساقان و القدمان و الله اعلم بالصواب حرره العبد المذنب محب المتطب اصلح الله سنى و غفر ذنوبه فى العشرين من جمادى الثانى سنة تسع مائه و تسعه حامداً مصلياً.

اشاره به نسخه: مؤلف این نسخه محمد بن محمد خجندی^۱ است که کتاب (القانون فى الطب) ابن سینا را مختصر کرده و آن را المکنون نام نهاده است.

سپس المکنون را نیز مختصر نموده و بعضی ترکیبات داروئی برای معالجات و دستورهای طبّی و خواص گیاهان را بر اساس تجربیات خویش بر آن اضافه کرده و عنوان آن را تنقیح المکنون^۲ من مباحث القانون گذاشته است. بار دیگر تنقیح المکنون را مختصر نموده و زوائد و فوائد مهمه که در مختصرات و مطوّلات نبوده بر آن افزوده و آن را التلویح الی اسرار التنقیح^۳ نامیده است التلویح مرتب بر پنج فن و هر فن مشتمل بر فصولی است. فن اول در تعریف طب و موضوع آن و امورات طبّی، فن دوم در امراض و اعراض کلیه، فن سوم در حفظ الصحه، فن چهارم وجوه معالجات به حسب امراض کلیه، فن پنجم در تب و البحارین و تقدمه المعرفه است. خلاصه کتاب القانون فى الطب ابوعلی سینا پس از این همه کم و زیاد کردن و کسر و اضافه نمودن، به کتاب التلویح الی اسرار التنقیح نیز ختم نمی‌شود. طبیبی به نام حکیم لطف الله مصری شرحی بر التلویح به عنوان التصریح فى شرح التلویح نوشته است.^۴ به گفته البیان سزگین. کلوت بک، آنچه که مربوط به مرض طاعون بوده از کتاب التلویح الی اسرار التنقیح استخراج نموده و در سال ۱۲۵۰ ق در مطبعه جهادیه به چاپ رسانده است.^۵

اشاره‌ای به موضوع کتاب: در برگ اول این نسخه قسمتی از رساله مخارج الحروف یا اسباب حدوث الحروف تصنیف شیخ الرئیس ابوعلی سینا است و آن فصل سوم رساله است که در تشریح حنجره، زبان و سایر اندام‌های گفتار است و اجزاء و حرکات و اعمال هر یک از اندام‌ها در اینجا با چنان دقتی وصف شده است که نظیر آن را نه تنها در کتب نحو و مباحث مربوطه به علم اصوات بلکه در ادبیات پزشکی آن روزگار نیز نمی‌توان یافت. ظاهراً ابن سینا در بیان این مطالب به نوشته‌های یونانیان در پزشکی و علم تشریح نظر

۱. در بعضی فهرس نام پدر او را عبدالله یا عبداللطیف دانسته‌اند. به استناد این نسخه پدر او محمد است. دهخدا نیز نام پدر او را محمد می‌نویسد. توضیح بیشتر: رک: به معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۱۹۲ و هدیة العارفین، ج ۲، ص ۹۲.

۲. کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۰۰.

۳. همان.

۴. همان.

۵. یوسف البیان سزگین، معجم المطبوعات العربیه والممعریه، ج ۱، ص ۱۸۱.

داشته است. این فصل در حقیقت مدخل و مقدمه‌ای برای فصل چهارم است. برای توضیح بیشتر ر.ک: به دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، صص ۴۶ - ۴۸. آغاز آن چنین است: (من رسالة الشيخ الرئيس في الحروف) في تشریح الحنجرة فانها مركبة من غضاريف ثلاثه، احدها موضوع الى قدام... الخ. کتاب دیگری از تألیفات محمد بن محمد خجندی ضمیمه دوم این نسخه است که مشخصات آن چنین است:

کد: ۲/۱۱۶

عنوان: مختصر فی الصناعة الطب

مؤلف: خجندی، محمد (۵۵۲ - ۵۰۰)

شماره فهرست‌نگاری: ۲۹۶

تعداد صفحه: ۶۴ صفحه

تاریخ کتابت: یکشنبه هفتم ذی‌الحجه سال ۹۰۹ ق است.

آغاز: بعد بسمله رب وفق و اعن، قال مولانا و استادنا سلطان الافاضل و المحققین خلاصه العلماء المدققین فخرالمله و الدین محمد الخجندی تممده الله بغفرانه و اسکنه اعلى جنانه نحمدالله على ماهدانا سبيل الرشاد و اوضح علينا سنن الاسترشاد... الخ.

انجام: ... و انما يعمل بهذه الاختيارات عند اتساع الوقت و خوف الشیخ من یعتقدها ولاکن هذا آخر كلامنا فی هذا المختصر فمن حفظ فهو حقیق بالاصباء فی اعماله و التحقیق فی اقواله... ثم یحرره مع یصحه ظهیره الاحد السابع من ذی الحجه تسع مائه و تسع و هذا خط العبد الخاطی المذنب محب بن عاصم المتطب تجاوز اله عن سیاتی و یسر له ما یصیر سببا لنجاتی.

مشخصات دیگر نسخه از قبیل تاریخ اهدا و اهداء کننده، موضوع، زبان، اندازه سطر و کتابت، نوع خط، کاغذ، تزئینات و نام کاتب تماماً با مشخصات نسخه التلویح الی اسرار التنقیح سابق الذکر یکسان است.

اشاره به مؤلف: یکی از چهره‌های معروف در روند تکامل طب گیاهی و سنتی، طبیب برجسته علم پزشکی قرن ششم، محمد بن محمد الخجندی معروف به فخرالدین طبیب^۱ است. طایفه خجندیان از خاندان معروفی در اصفهان بوده‌اند و ایشان را با ملوک سلجوقی وقایعی است که در تاریخ ثبت است. این

۱. خجند از شهرهای آباد، مشهور و معروف ماوراء النهر است که در ساحل چپ رودخانه سیحون واقع شده است. در این شهر بسیاری از دانشمندان، پزشکان و مشاهیر ادبا و شخصیت‌های فرهنگی اسلامی همچون کمال خجندی و ... برخاسته‌اند خاقانی شاعر معروف در وصف اندیشمندان خجند می‌گوید: هر کجا از خجندیان صدی است ز آتش فکرت آب می‌چکیدش هم او می‌گوید:

طایفه اصلاً از شهر خجند، از بلاد ماوراءالنهر می‌باشند و نسب ایشان به مهلب بن ابی صفره از امرای اموی می‌رسد.^۱ ابوبکر محمد بن ثابت خجندی در مرو سکونت داشت؛ وی اولین کسی از این طایفه است که نظام‌الملک به اصفهان آورد و تدریس در مدرسه‌ای که در اصفهان بنا نموده بود به او تفویض کرد وی جاه و مقام بزرگی در اصفهان داشت و از رؤسای شافعیه بوده است. غالباً بین ایشان و حنفیه نزاع رخ می‌داد و موجب قتل و خونریزی می‌شد.^۲

فخرالدین طیب محمد بن محمد خجندی از پزشکان برجسته این طایفه و استاد اطباء زمان خود مورد احترام همگان و یکی از چهره‌های مشهور در روند تکامل طب بوده است. وی بر اساس تجربیات خویش و مراجعه به آثار قبل از خود و بررسی آنها دست به ملخص نمودن و شرح و اضافات بر کتاب القانون فی الطب تألیف شیخ رئیس ابن سینا زد و در این زمینه آثاری از خود به یادگار گذاشت. اندیشه‌های متقن او منشأ اثرات طبی بسیاری بوده است. شیخ آقا بزرگ در الذریعه دیوانی به عنوان تشریح منظوم به او نسبت می‌دهد که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.^۳ وی در اصفهان می‌زیسته و در سال ۵۵۲ به دیار باقی شتافته و در اصفهان مدفون شده است.

از دیگر نفایس دست‌نوشته طب سنتی و اسلامی کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی کتاب الشافی فی الطب^۴ است این کتاب آثار ارزشمند باقی مانده از قرن هفتم هجری و از تصنیفات یکی از برجسته‌ترین اطباء و نویسندگان کم‌نظیر امین‌الدوله ابوالفرج ابن موفق الدین بن یعقوب بن اسحق بن القف می‌باشد. حاجی خلیفه در کشف الظنون ضمن معرفی کتاب جامع الغرض فی حفظ الصحه و المرض نام وی را امین‌الدوله و الدین^۵ معروف به ابن القف آورده است. معلوم نیست که او کلمه الدین را از کجا آورده است. در صورتی که ابن ابی اصیبعه که هم عصر با وی بوده است، در عیون الانبأ فی طبقات الاطباء^۶ او را امین‌الدوله و از نصاری کَرَک می‌داند. ممکن است گفته شود چگونه می‌توان آثار دانشمند مسیحی را به نام اسلام معرفی نمود. در جواب باید گفت: افرادی که در یک مملکت زندگی می‌کنند، با هر دین و مذهب و عقیده‌ای که باشند متعلق به آن کشور هستند.

امپراتوری اسلام پس از فتوحات اعجاب‌انگیز خود، از ملت‌ها و زبان‌های گوناگون تشکیل گردید و همه افراد در قلمرو حکومت اسلامی، یا مسلمان بوده یا غیر مسلمان و تابع اسلام و تحت حکومت و امپراطوری اسلام می‌زیستند و از امنیت و امکانات و تسهیلاتی که برای آنان فراهم می‌شد که امروزه آن

۱. محمد عوفی تذکره لباب الالباب، ج ۱، ص ۳۵۴ یا ۴۰۴ تعلیقات قزوینی بر تذکره لباب الالباب.

۲. همان.

۳. حاج آقا بزرگ الذریعه، ج ۹، ص ۲۹۰.

۴. الشافی فی الطب قبلاً به طور مختصر بیان شده، با توجه به اهمیت نسخه با تجدید نظر و اضافات و توضیح

بیشتر در این جا معرفی می‌شود.

۵. کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۶۵.

۶. عیون الانباء، ص ۷۶۷.

را حقوق شهروندی می‌نامند. انسان‌ها هر اندازه هم که استعداد داشته باشند بدون ابزار و کمک و تسهیلات نمی‌توانند رشد کنند. چنانچه در تاریخ نوشته‌اند، معتصم خلیفه عباسی برای تسهیلات امور تشریح یوحنا ماسویه پزشک معروف که میمون‌ها را کالبدشکافی و تشریح می‌کرد، دستور داد مکانی امن تمام وسایل و تجهیزات لازم را در اختیار یوحنا ماسویه قرار دهند حتی خود معتصم، میمونی که شبیه انسان بود برای تشریح پیش وی فرستاد.^۱ دانشمندان چون تحت فرمان امرای عرب‌زبان بودند، با هر زبانی که تکلم می‌کردند برای وحدت، آثار علمی خود را به زبان عربی می‌نوشتند. این حمایت‌ها و تسهیلاتی که زمامداران اسلامی برای اندیشمندان فراهم می‌کردند موجب شکوفائی استعداد دانشمندان گردید. تا موفق شوند نقش علوم اسلامی را نخستین درجه اهمیت در تاریخ علوم جهان ثبت کنند. به هر حال کتاب الشافی فی الطب دارای مجلداتی است که قسمتی از آن در این کتابخانه نگهداری می‌شود.

عنوان کتاب: الشافی فی الطب / مقاله هشتم تا دوازدهم.

نام مؤلف: ابن القف، امین الدوله، ابوالفرج بن موفق الدین بن یعقوب بن اسحاق مشهور به ابن القف کرکی (۶۳۰ - ۸۸۵ق / ۱۲۳۳ - ۱۲۸۶م).

کد: ۹/۶۴

شماره دفتر کل: ۱۵۱۴.

تاریخ اهداء به کتابخانه: سال ۱۳۷۰ ش.

اهداء کننده: حاج اسمعیل هدایتی.

تاریخ تألیف: سال ۶۷۲ هـ. ق.

موضوع: طب.

زبان: عربی.

تعداد برگ: ۱۲۷ برگ.

تعداد صفحه: ۲۶۰ صفحه.

تعداد سطر: هر صفحه ۱۹ سطر و هر سطر ۱۱ سانتی‌متر کتابت دارد.

اندازه کتاب: به ابعاد ۲۲*۱۵ سانتی‌متر.

نوع خط: نسخ قدیم.

نوع کاغذ: بغدادی دو لایه، به رنگ کاهی.

حاشیه: آثار تصحیح دارد.

عناوین: سرمقالات و سرفصل‌ها، نام امراض و عنوان اشخاص و موضوعات، همچنین از نظر ادبی،

ویرگول نامیده می‌شود. و دیگر علامات را با خطوطی درشت و مرکب قرمز مشخص نموده است.

نوع جلد: تیماج مقوایی زیتونی فرسوده آب دیده با کمند ضربی که در چهار گوشه آن نقوش هندسی با

۱. برای توضیح بیشتر، رجوع شود به نامه دانشوران، چاپ سنگی، جلد دوم، ص ۳۷ - ۳۸.

قلم فولادی نازک است.

تاریخ کتابت: ۲۵ صفر سال ۶۷۲ ق ۱۷ سپتامبر ۱۲۷۳ م در دوره زندگی مؤلف و سیزده سال قبل از فوت مؤلف او.

نام کاتب: یوسف ابن المعلم منصور القنات.

تملك: در اختیار چند نفر بوده که اسامی و مهر آنها ناخوانا است. من جمله این عبارت در پشت صفحه اول آمده است. «تصرفی هذا الكتاب العبد الفقير الى الله تعالى ابوبكر بن عمر بن الحاج يوسف بن عمر بن ... العباسی نسباً غفرالله و لوالديه و ملكی فی شهر سنه اثنين و خمسين (بقیه محو شده است)» و نیز با دو مهر بزرگ بیضی به نام کتابخانه حاج اسماعیل هدایتی قم، ۱۳۶۰ م مههور است و این جمله در آخر صفحه آمده است. «وقف على هذه النسخه المباركه هبة الله بن نصر بن مليح المشتغل بصناعة الطب نسأل الله (بقیه محو شده است)»

آغاز: بعد بسمله مقاله الثامنه فی امراض الالات النفسانيه و ينقسم سبعة فصول تصنيف مولانا و سيدنا الشيخ الامام الفاضل الكامل العالم العامل ... معدن الفهم الصدر الرئيس امين الدوله ابوالفرج بن يعقوب المعروف بابن القف ادام الله بقاءه ... الخ. بعد از فهرست فصول هفتگانه، متن کتاب شروع می‌شود: الفصل الاول فی امراض بطون الدماغ و حجیه و مجازیه و هی الصداع، و السرسام، و الماشرا، الخ... انجام: فلا يتغير عليه شيء من ذلك بل احوالها كلها متشابهه عند الاستلقاء وغيره و الله اعلم. تمت مقاله الثانيه عشر من كتاب الشافي ممن الله و كرمه و وافق فراغ منه نهار السبت خامس و عشرين صفر سنه ستمائه اثنين و سبعين و الموافق من شهر الروم تا سع ايلول سنه سبعمائه؟ اربعه و ثمانين لذي القرنين و لله الحمد.

اشاره‌ای به نسخه: الشافی فی الطب کتابی است که با عنوان مقاله و فصل در چهار مجلد ترتیب داده شده است. این نسخه از مقاله هشتم امراض بطون، دماغ، عصب، لسان و ... شروع و به مقاله دوازدهم امراض قفق و مراق ختم کرده است.

کتابت نسخه در زمان زندگی مؤلف به قلم پزشکی توانا، به نام یوسف که چنین نوشته است: «و کتب لنفسه الراجی رحمۃ ربه التحیت یوسف ابن المعلم منصور القنات اقل المشتغلین فی صناعة الطب یسأل الله المغفرة». کتاب بسیار نفیس و عالی است.^۱

اشاره‌ای به مؤلف: ابن قف، امین الدوله ابوالفرج بن موفق الدین بن یعقوب بن اسحاق کرکی (۶۳۰ - ۶۸۵ ق/ ۱۲۳۳-۱۲۸۶ م) پزشک و نویسنده مشهور، روز شنبه سیزدهم ذی القعدة سال ۶۳۰ در کرک تولد یافت. پدرش بکه به شغلی دیوانی در اردن گمارده شده بود، با این ابی اصیبعه آشنا شد و همین دوستی سبب شد که ابن ابی اصیبعه پسرش ابوالفرج را به شاگردی بپذیرد. ابوالفرج، کتاب‌های المسائل حنین بن اسحق، الفصول و تقدمه المعرفه بقراط و نیز آثار رازی را نزد ابن ابی اصیبعه خواند و مقدمات ضروری

۱. کشف الفنون، ۲/ ۱۰۲۳، ایضاح المکنون ۲: ۱۲۰، معجم المؤلفین، ۱۳: ۲۴۵ و ۴۱۱ - ۱۶: ۳.

طب، شناخت انواع بیماری و راه‌های مداوای آن‌ها را فرا گرفت. طب را نزد حکیم نجم الدین بن منفاخ و موفق الدین یعقوب سامری و فلسفه را نزد شیخ شمس الدین و دیگر اساتید و هندسه را نزد شیخ مؤید الدین عرضی فراگرفت و در آغاز کار چند سال در قلعه عجلون طبابت کرد. سپس به دمشق بازگشت و از مشهورترین استادان طب زمان خود در سوریه بود. ابن قف بی شک یکی از پزشکان برجسته قرن هفتم هجری و در ردیف بزرگترین پزشکان عرب و مسلمان به شمار می‌آید. ابن قف در نوشته‌هایش همواره توجه‌ست را به بررسی بهداشت عمومی و ضرورت پیشگیری از بیماری‌ها معطوف می‌کرد. وی بر این باور بود که پیشگیری از درمان بهتر است. ابن قف ۵ اصل عمده برای حفظ صحت پیشنهاد کرده است:

۱. رعایت اصول بهداشتی و حفظ و نگهداری آن و دوری از عوامل زیان آور.

۲. فراغ بال و آسودگی فکر.

۳. بهداشت غذا و رعایت رژیم غذایی مناسب.

۴. وضع مالی مناسب.

۵. دارا بودن صفاتی چون بخشندگی، حضور ذهن و دوری از خودخواهی.

او همچنین پاکیزگی آب و هوا را بسیار مهم می‌شمرد.

ابن قف در زمان خود به داشتن آثار بسیار شهرت داشت که به چند آثار او اشاره می‌شود:

۱. الاصول فی شرح الفصول.

۲. شرحی بر کتاب الفصول بقرات در دو مجلد.

۳. جامع الغرض فی حفظ الصحة و دفع المرض.

۴. الشافی فی الطب در چهار مجلد.

۵. شرح کلیات من کتاب القانون در ۶ جلد.

۶. العمدة فی صناعة الجراح که با نام‌های مختلف یاد شده است. العمدة فی الجراح، عمدة الجراحین،

عمدة الاصلاح فی عمل صناعة الجراح، العمدة فی الجراحة و پاسخگوی همه نیازهای یک جراح در سده

۷ قمری بود.^۱

۷. مقاله فی حفظ الصعه.

۸. حواشی علی ثالث القانون که هر دو ناتمام است.

۹. شرح الاشارات.

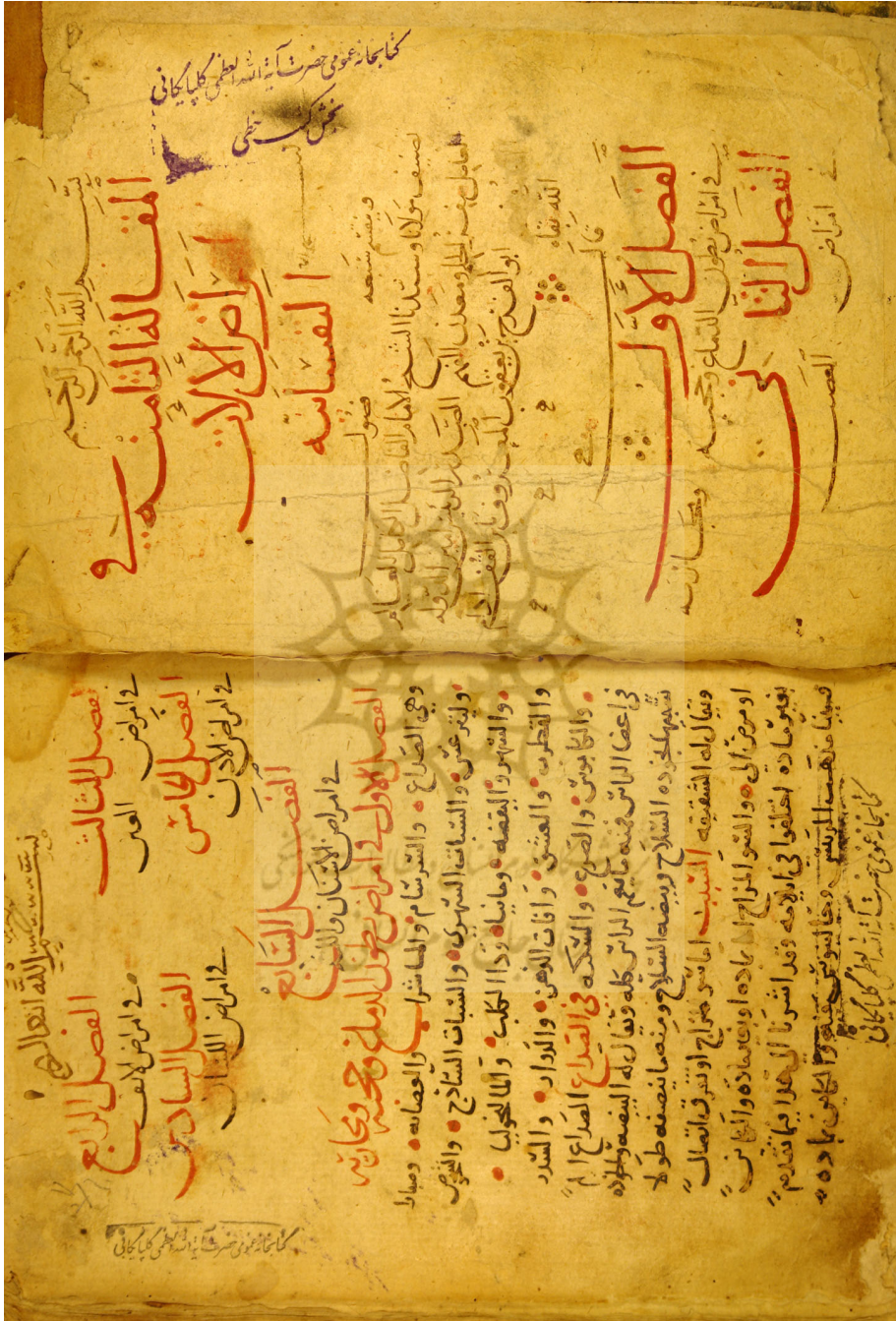
۱۰. المباحث المغربیه.

۱۱. زبدة الطب.

۱۲. رساله فی منافع الاعضاء و الانسانیه.^۲

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، صص ۴۸۲-۴۸۵، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۷۶۷ - ۷۶۸.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۴۸۴.



کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی
مجله علمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الفصل الثالث
امراض الالام
الفساسمه

و یسمی سعه
لصف مولا و سندا الشیخ الامام الفاضل العالی العالم
العالی فی الطب و معاد الهمم القدر المیرزا میرزا ابوالفضل
ابوالفتح زبیر علی بن زین العابدین
الله تعالی

الفصل الاول
فی امراض طریق الدماغ و جسمه
الفصل الثاني
العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الفصل الثالث
فی امراض العنز
الفصل الرابع
فی امراض الالام

الفصل السابع
فی امراض الامتقان و اللغز
الفصل الاول فی امراض طریق الامواله و جسمه و عظامه
و یسمی الصراخ . و التورساق و الماشراب و العضاضه . و مبالا
و لیزه عسر . و السناق السهركه . و السبات السناج . و النجرب
و الشهور و البقعه . و مانیه . و داء الحلب . و الالام الحویلیه .
و القطرب . و العنق . و افات العهن . و الدوار . و السرد
و الخاویز . و الصره . و السككه . **فی الصراخ** الصراخ الم
فی اعضا الرأس منه ما یسمی الرأس كله و تقارنه البیضه و طوله
شیم و كثره السناج و بیضا السناج و منیضا نصفه طول
و تقارنه الشقیقه **السبب** اما هو صراخ او تفرق القمات
او مرض الری . و القوم المراج اما باده او بینهاده و الخاویز
بعضها ده . بعضها فی الامواله و قد اشترتا الی اخرها فاما تقدم
سببا عندها **السبب** و فیما یونیق فیها و الخاویز با ده .
کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی

کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی

منها للسخ البرنس
واکروف

بدره افق الفخذ

اما آنچه در فاهما بر عضلات رفته است احدی موجود است انما العلام بنام الجرس المهادل عمدا على العروق بحال الدرقن
 وسكان حبل القوس مدنها الى خارج واليد له وبعصرها الى اهل وان خلف ولسا لعضروف الدرقن
 والشيخي والعضروف الماني حلقه معا بسطح تسطح متصل بالرايات ثمة وليسته منفصل عند الخوق ولسر
 عده كاسم والعضروف الثالث كقصره مكنونه عليهما ويوم منفصل عن البرقي ومربوط بالدر لا اسم لم مرتلف
 مفصل مصاعف محدث لى دالمتر سعدان والدر لا اسم له وسفرا لى بنون له فاذا تقابل الدر لا اسم له
 والدر ويحاطه حشره صوا كحجوة واذا اضيق عند وابعه حشره عند الشخه كحجوة ورماعه ورماعه ومقارنه
 محدث الصوت احادة والتقبيل واذا انطبق لظرفها على المذيق حصر المقصر سد الكفوكمة واذا
 واذا العلام عند اعقت كحجوة مكر اذاهتها عضلات تلتصق لظرفها بالدرقي وعضلات
 تنحى احدى من الاخر والظرفها يربط على الدر لا اسم له مفصل منها عقليان فيه تقوية بعد ايامها
 زائدان من الدر لا اسم له وسفرا لى فيها والعضلات تنحى بعقدها كحجوة تلتصق لظرفها على اندوق الدر لا اسم له
 يتوارطه من اسفل او حصره الدر لا اسم له وتصلب عورظ لظرفها فاذا نسفت جذبه الى الحلقه وفوت
 منه بنه لدرقي وقد فصلت لذلك اربع عضلات على هذه الصفة و اردفت لظرفها متصل عند الحلقه
 عند لظرفها على ثمة وبسته فاذا شخيتا فاعلام المعونة في الفهم توسيقا مستمر صافها عضلات
 والصلبا الى يطوي كحجوة لاهله واصلة بنه الشخي والظرفها اذ السهم مدنت لظرفها الى
 الشخي ومعلم انها اذ اجابت واجرة من داخل كانت شدة وقد حلقه فيها اربع عضلات يوجد جميع الكاسر
 احد رديها بعدد حافة المذوق الى لظرفها عند والآر جيل ليرده ومما حفر بان فغلافه بالصفرة ومما حفر
 المكاف غلافها حتى انزعت وم عضلات الصدر وانما حجاب عندها اربع عضلات وقد يوجد في بعض الاماكن روع
 آخر سبعة بعينه واما الحديقة العنقية فمن المعلوم لسانها اجماع احسن اجوانه ان يكون محيطا بالثقبين
 حتى اذا انقبضت حتى ذلك حلت عضلات الفم في كل روع باقي العظم اللامي شبيه بالام في كتابة اليونانية
 ويومعها من الشغل الذي يفسد فضل بالدرقي وضاع ويصعب في اصدى روع حتى يمازى المرى عند ويسرع
 ولمان الشري وتصلب وارب عضلات ورماعوت ورماعوت ورماعوت ورماعوت ورماعوت ورماعوت ورماعوت
 باطرو الاخر طارة وليف كان فانه مفصل بالدرين لم يلق ودا على الدر لا اسم له واما الكوسعة الحنجرية من
 المعلوم ان من كذا على لال عضل الصدر بالبحر حصر الفم الى خارج بقوه اليد والاهص عليه كان قابلا
 وقت الحجرة في عصب الفم الى ابر الفم الشبيه بالام ويصل عنق اللسان كما اذا الشخه جدي
 اذ حقت وانما لم في روعه لظرفها الدر لا اسم له ودر روعه شرفه من الحجرة والحلقه بصغر العضلات
 ومادة الدر واستمر الى صفر الدر لا اسم له فاذا اسر حيزا حلقه الى الشغل والدر لا اسم له الى الحلقه
 فوعه عند وبنه لدرقي ورماعوت في الزود والام اربع لوسليم به ورماعوت ورماعوت ورماعوت
 اصحاجها بالمر واما الدواب الكبار فدا على الكسان فحجوة عند التجموع على عضل
 منها عقلة تانته من الرقبة الشبيهة بالتي عند الاذن عند روع وتصلبها حتى اللسان
 فاذا الشخه اعضاء ومنها عضلة تانته من راعا الى لظرفها بالام وسفرا لى
 فوسط الشخه فاذا الشخه اجزاء من الشخه الى اقدم حدها جرم اللسان وامتد
 وطال ومنها عضله بالمر والتعليق الى ابر الفم هذا الفم بعد الشخه
 الموضوعة والمطلوبه حشره ثمة توزيب الشخه ومنها عضل حشره ورماعوت
 تحت طاية اذا الشخه بخلها اللسان واما الحلقه الى لوق ودا فلا في
 فعل الموضوعة والموضوعة والله اعلم حصيله كالك فعليه حشره لادامه
 الاجزاء واما حشره عشرها في لوسليم الى السعي الى الشاه ورماعوت
 من غير الى الحوقف لادى الى التسندف فالس ليل النور حشره
 احلقه لوسه مال بريل الى الصلحجة فله اعضم
 والاهر لظرفه لير اصلاح حشره الى
 الصلحجه ورماعوت في اللعاب
 والاهر

كذلك

پيام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش ۶ / زمستان ۱۳۸۸

